

سخن مدیر مسئول

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. خداوند هدف اصلی بعثت رسولان در میان امتها را «عبادت خدا و اجتناب از طاغوت» بیان می‌دارد. (نحل (۱۶) / ۳۶) به عبارت دیگر، نمی‌توان هم این را داشت و هم آن را. به تعبیر قرآنی: «خداوند در سینه یک تن، دو قلب جای نداده است.» (احزاب (۳۳) / ۴) دوست و دشمن را با هم در یکجا نمی‌توان قرار داد. نور و ظلمت با هم سرآشتی ندارند؛ هر کدام آمد، دیگری می‌رود. قرآن تمسک به عروه و ثقی، رشته گسست‌ناپذیر الاهی را پی‌آمد «کفر به طاغوت و ایمان به خدا» می‌داند. (بقره (۲) / ۲۵۶)

این است که در هنگام تلاوت قرآن، باید از شر شیطان به خداوند پناه بریم. (نحل (۱۶) / ۹۸) استعاذه سه وجه دارد: کلامی بر زبان، توجهی به قلب و دگرگونی‌ای در عمل و این وجهی دیگر از همان منشور مقدس بندگی خدا و دوری از طاغوت است. نیز قرآن به ما هشدار می‌دهد که نمی‌توان گروهی مؤمن به خدا و قیامت یافت که دشمنان خدا و رسول را دوست بدانند؛ گرچه از نزدیکانشان باشند (مجادله (۵۸) / ۲۲)

۲. این حقیقت در آموزه‌های دین، «تولی و تبری» نام دارد؛ یعنی قبول ولایت (سرپرستی) خداوند حکیم و حجتهایش (پیامبر و امام) و دوری و بیزاری از دشمنانشان. این دوستی و دشمنی، نه برای منافع و امیال شخصی، بلکه در راه خداست. روزی پیامبرگرامی، روزی نظر اصحاب خود را در مورد «استوارترین رشته ایمان» پرسیدند. هر یک پاسخی داد: نماز، روزه و چیزهای دیگر. پس از آن پیامبر، خود، «الحبّ فی الله و البغض فی الله» را مصداق «استوارترین رشته ایمان»

دانستند (کافی ۲/ ۱۲۵ - ۱۲۶) چرا که روح تمام احکام و فروع است.

اما دریغا و صد دریغا که این حقیقت والا - همانند پاره‌ای دیگر از شعائر الاهی - در چنبره تفسیر غلط و عملکرد نادرست ما گرفتار آمده و به وضعی رسیده است که در آن:

- نگاه رایج، بیشتر، شعاری است و کمتر، بصیرتی.
- بیشتر جنبه لقلقه زبان دارد و کمتر به جنبه عملی و اخلاقی و تربیتی می‌رسد.
- وجهه تبلیغی آن بیشتر است؛ که نتیجه‌اش کینه‌توزی و تحریک احساسات می‌شود.

□ حس لجاج را در میان گروه‌های مختلف بر می‌انگیزد.

در یک کلام: در این عبادت همچون عبادت‌های دیگر، قلب، فدای قالب شده و روح، قربانی کالبد؛ در حالی که شعائر، همواره به پشتوانه‌ای از تفقه و بصیرت نیاز دارد؛ چنان که در حدیث داریم که وقتی خداوند برای کسی خیر بخواهد، او را در دین، فقیه می‌گرداند. (کافی ۱/ ۳۲) و در دعای مأثور از امام مهدی علیه السلام - پس از زیارت آل یاسین - از خداوند متعال می‌خواهیم که دین ما را به نور بصیرت از جانب خود، همواره نورانی بدارد. (احتجاج ۲/ ۳۱۷)

۳. این حقیقت والا، در احادیث معتبر فریقین با تأکید فراوان آمده است. برای نمونه، انس بن مالک از نبی اکرم نقل می‌کند که یکی از ویژگی‌هایی که وجود آن در آدمی، سبب می‌شود تا او شیرینی ایمان را بچشد آن است که: «أن يحب في الله وأن يبغض في الله». (سنن نسائی ۸/ ۹۵؛ مصنف ابن ابی شیبه ۸/ ۱۹۵) سیوطی نیز نقل می‌کند که ابن عباس تنها راه دستیابی به ولایت خدا را «الحب في الله والبغض في الله» بر شمرده است. (الدر المنثور ۶/ ۱۸۶) (برای مشاهده احادیث دیگری از کتب اهل سنت، به تفاسیر ایشان ذیل آیه ۴ سوره احزاب و آیه ۲۲ سوره مجادله مراجعه کنید.)

در پرتو این روایات است که دانشمندان فریقین، در باب تولی و تبری توضیحاتی داده‌اند. از باب نمونه - بدون اینکه قصد ورود در مصادیق داشته باشیم - به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۲ □ ابن جوزی، در برابر عبدالمغیث حنبلی - که در دفاع از یزید اموی و جنایاتش رساله‌ای پرداخته بود - کتاب «الردّ علی المتعصّب العنید المانع من لعن یزید» را نوشت و ضرورت تبرّی از او را با دلیل، روشن ساخت. (نک: الکنی و الالقاب / ۱ - ۲۴۷ - ۲۴۸)

□ فضل بن روزبهان در آخرین باب از کتاب «وسيلة الخادم إلى المخدم»، تولّی و تبرّی را یکی از ارکان دین بر می‌شمارد؛ به ویژه در مورد بنی امیّه و کسانی که مانند آنها عمل کنند.

□ آلوسی در تفسیر «روح المعانی» ذیل آیه «فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم» (محمّد (۴۷) / ۲۲) در همین موضوع، به تفصیل، سخن می‌گوید و تبرّی از چنان عناصری را لازمه ایمان می‌شناساند.

بر اساس این نمونه‌ها - که بخشی از دیدگاههای فراوان دانشمندان فریقین است - می‌توان احتمال داد که غزالی، با نگاه خاص خود به این مسئله در کتاب «احیاء العلوم» - که در باب آفات اللسان، حتّی لعن شیطان را هم خلاف احتیاط بر می‌شمارد - (احیاء العلوم ۳ / ۱۲۵) و علی الجملة ففی لعن الأشخاص خطر فلیجتنب ولا خطر فی السکوت عن لعن إبلیس مثلاً فضلاً عن غیره. ظاهراً قصد شوخی داشته نه کلام جدّی و لذا نمی‌تواند مبنای قضاوت و عمل قرار گیرد.^۱

۵. با نگاهی از سر معرفت، بصیرت و تفقّه به اصل تولّی و تبرّی، نتایج علمی چندی به دست می‌آید؛ از جمله:

□ در علم دین، از در یوزگی به خانه دانشمندان علم الهیات غیر مسلمان پرهیزیم. (یا کمیل! لا تأخذ إلاّ عنّا تکن منّا. (تحف العقول / ۱۷۱)) البته اطلاع از نظرهای دیگران، مفید بلکه لازم است؛ ولی در یوزگی و کاسه لیسی آنها، همان عملی است

۱. برای تأکید بیشتر، تکرار می‌شود که در اینجا حکم کلی تولّی و تبرّی مورد نظر است نه مصادیق آن. اشاره به مصادیق در کلام بزرگان یاد شده، برای یادآوری به پژوهشگران بود؛ و گرنه هدف کتی این سخن اجمالی، همان عنوان کلی است و بحث در مورد مصادیق آن، مجال دیگر می‌طلبد و مقالی دیگر.

که برخی از اصحاب پیامبر نسبت به پاره‌ای از دانشمندان یهود داشتند و مطالب تورات تحریف شده را به رخ پیامبر می‌کشیدند. پیامبر آن افراد را از این کار بازداشت، و یاد آور شد که من دین صاف روشن پاکیزه برایتان آورده‌ام. (معانی الاخبار / ۲۸۲؛ مسند احمد ۳ / ۳۸۷)

□ در تفسیر قرآن، پالودن جدی تفاسیر از اسرائیلیات - یا دست کم نقد جدی آنها - ضرورت تام دارد؛ ضرورتی که در جوامع جدید اهل تسنن در سالهای اخیر، بدان می‌پردازند. البته گاهی کار را به افراط می‌کشانند و نقش حدیث را در تفسیر قرآن، به کلی نادیده می‌گیرند، که این نتیجه غلط با آن مبنای صحیح، هیچ نسبت و رابطه‌ای ندارد.

□ در تاریخ و سیره، نقد و بررسی جدی روایات و منقولاتی که چهره آسمانی پیامبران را مشوه می‌دارد. این گونه منقولات در برخی منابع کهن آمده و جمعی از اندیشمندان معاصر، با سکوت از کنار آن گذشته‌اند.

همین نقلهای تاریخی است که دستمایه‌ای به فتنه‌انگیزان ضد دین می‌دهد که با حربه و هنر به میدان جنگ با دین حنیف اسلام بیایند؛ به طوری که در سالهای اخیر، شاهد بوده‌ایم.

در یک کلام، تعبیر «تقوای علمی و فکری» - که یکی از بزرگان معاصر بر آن تأکید دارد - گویای این وجهه از تولی و تبری است.

۵. پی آمدهای تولی و تبری منحصر به نتایج علمی نیست. در حیطة عمل و اخلاق فردی نیز برکات و آثار مهمی دارد چنانکه امام سجاد علیه السلام این اصل را یکی از مبانی اساسی برای تربیت فرزندان بر می‌شمارد.^۱ در اینجا تنها چند نکته را یادآور می‌شویم:

□ تمام آداب و اخلاق حسنه، شاخه‌هایی از درخت ولایت و تبری‌اند، چنانکه امام صادق علیه السلام اشاره می‌کند. حضرتش تصریح دارد که هر که دروغ بگوید، قطع

۱. و اجعلهم أبراراً... لا ولیاتک محییین مناصحین ولجميع أعدائک معاندين و مبغضین. (صحیفة

رحم کند، ربا بدهد و بگیرد و... آن گاه خود را متمسک ریشهٔ پر بار ولایت بداند، دروغ گفته است؛ چرا که این کارها، شاخه‌های ریشهٔ ولایت شیطان است. (تأویل الآيات ۱/ ۲۴)

همین جاست که بازشناسی منابع اصیل اخلاق، از مطالب وارداتی و التقاطی فلسفهٔ اخلاق یونانی و هندی و مانند آنها - که در پاره‌ای از متون کهن اخلاقی دانشمندان مسلمان آمده است - نیز ضرورت می‌یابد، تا بتوان منشور اخلاقی جامع و روزآمدی مبتنی بر نصوص معتبر فراهم آورد.

□ توجه به احادیث «لیس منّا». ما خود را ائمت پیامبر و دوستان و پیروان خاندان پیامبر می‌دانیم؛ اما آن بزرگواران، در احادیث عدیده، دربارهٔ افراد و گروه‌هایی «لیس منّا» گفته‌اند. ویژگیهای آن گروه‌ها را باید یافت و بر شمرد و از آنها اجتناب کرد.

□ تفاوتی که در احادیث معتبر شیعی میان شیعه و محبِّ قائل شده‌اند: فردی که دوستی پیامبر و خاندانش را در دل دارد، می‌تواند ادعای محبّت کند؛ اما زمانی می‌تواند خود را شیعه بداند که پای خود را در همهٔ موارد، جای پای آن حجّت‌های معصوم خدا بگذارد. کتاب صفات الشیعهٔ شیخ صدوق، جلد سوم کتاب دارالسلام محدّث نوری (شامل بیش از صد وظیفهٔ اجتماعی مؤمنین نسبت به هم) و باب صفات الشیعه (جلد ۶۸ بحارالانوار) پاره‌ای از ویژگیهای ضروری برای ادعای تشیع را می‌نماید که بدون این گونه صفات، ادعای تشیع دشوار است.

نام فروردین نیارد گل به باغ شب نگردد روشن از نام چراغ

□ پرهیز از اختلاف و تفرّق، در کنار اعتصام به حبل الله. این اجتناب و آن اعتصام، دو روی یک سکه‌اند؛ یعنی تولّی و تبرّی همواره با هم همراه‌اند و هرگز جدایی ندارند.

۶. برکات تولّی و تبرّی، از اخلاق فردی فراتر می‌رود و به اخلاق اجتماعی می‌رسد که خود بخشی مهمّ از دین است و جاودانگی و فراگیری آن را - در بُعد زمان و مکان - نشان می‌دهد.

در این زمینه، در یک جمله باید گفت: کار امت اسلام بدون عزّت پیش نمی‌رود، عزّت بدون انسجام معنا ندارد و انسجام بدون تولّی و تبرّی عملی نیست. اکنون پاره‌ای از وجوه این کلام بیان می‌شود:

□ بازگشت به اخلاق کریمه نبوی، عمل به اصل قرآنی «أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم» (فتح (۴۸) / ۲۹) در پی آن: نفی سلطه بیگانگان، به ویژه سلطه علمی آنها که امروز، اساس سلطه‌های دیگر است و متأسفانه این سلطه، از جنبه‌های عملی زندگی مسلمانان گذشته و به بالاترین سطح علمی، یعنی پژوهشهای اسلامی نیز رسیده است در حالی که خداوند متعال در بیانی خبری - که مشتمل بر امر نیز هست - به مسلمانان هشدار می‌دهد: «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء (۴) / ۱۴۱)

□ تبیین این واقعیت که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم «رحمة للعالمین» بوده و هست. این کار برنامه‌ریزی دقیق می‌طلبد تا تفسیرهای خشونت بار از دین را مطرود و باطل بدانیم و حربه تبلیغاتی را از دست دشمنان بگیریم. برای این کار، باید از یک سو با شهادتی علمی، وضع نقلهای تاریخی و حدیثی را که در پاره‌ای از متون آمده، روشن کنیم و از سوی دیگر، در عمل، نشان دهیم که رفتارهای خشونت‌آمیز مدعیان دین نسبتی با اصل دین مبین اسلام ندارد. تا زمانی که این گونه چهره‌های افراطی ریشه‌یابی و مداوا نشود و اهل آن هدایت نشوند، چه امیدی می‌توان بست که دیگران نسبت به اسلام علاقه‌مند شوند؟

□ بازگشت جدّی عملی به روح دین که وحدت بخشی به افراد پراکنده در پرتو حقایق الهی و آسمانی است.

۷. بدیهی است که دین، نگاهبانی دارد که - ورای تمام این جهلها، سهوها، غفلتها، دشمنیها، کینه‌های عمدی و رنگها و نیرنگها - آن را نگاه می‌دارد؛ چنان که خود وعده داده است: «إنا نحن نزلنا الذكر وإنا له لحافظون.» (حجر (۱۵) / ۹) با نگاهی گذرا به سده‌های دراز تاریخ اسلام، روشن می‌شود که در هر زمان، عده‌ای معدود با عمل خالصانه، معتدل و صحیح خود به مبانی دین، دیگران را به این آیین آسمانی

فرا خوانده‌اند. این معنویت، یعنی تقوای علمی و عملی، فردی و اجتماعی، در پرتو اصل اصیل «دوستی و دشمنی در راه خدا»، وقتی با فراخواندن دیگران به دین، بر مبنای علم و منطق و استدلال (حکمت و موعظهٔ حسنه و جدال احسن، به تعبیر آیهٔ ۱۲۵ سورهٔ نحل) همراه شود، نتایج مبارک و ماندگار خواهد داشت.

فصلنامهٔ سفینه، در تداوم هدف مقدّس خود، همهٔ اهل نظر را به پیمودن این راه آسمانی فرا می‌خواند و از یاری و همکاری تمام فرهیختگان در این مسیر، به گرمی استقبال می‌کند.

